# حدوث عالم:

مدعای فلاسفه: لازمه جود الهی، لازمه فیاضیت الهی و لازمه علة العلل بودن خدا، ازلیت عالم است.

**جواد ازلی:**

خداوند جواد است، به این معنا که صفت جود در ذات الهی قرار دارد و تحقق آن مستلزم وجود موجوداتی است که جود الهی بر آنان جاری شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که باید موجوداتی ازلی باشند که مورد فیض و بخشش الهی قرار گیرند تا این صفت به طور کامل متحقق شود.

**جواب:**

**جود الهی:** جواد بودن خداوند به معنای آن است که صفت جود ذاتی اوست؛ چه ببخشد و چه نبخشد، همواره جواد است. همانند شخص سخاوتمند که حتی در نبود نیازمندی برای بخشش، همچنان به صفت سخاوت شناخته می‌شود، خداوند نیز مستقل از وجود یا عدم وجود مخلوقاتی برای دریافت فیض، همواره جواد است.

**نکته (1):**

وجود ازلی غیر از خداوند محال است، زیرا اشیاء ذاتاً توانایی وجود ازلی را ندارند. بنابراین، اگر قدرت الهی به چنین موجودی تعلق نگیرد، این نه نشانه‌ای از ضعف خداوند، بلکه به معنای عدم تعلق قدرت الهی به امور محال است.

**علة العلل بودن خدا:**

## خداوند علت تامه موجودات است، و هرگاه علت تامه وجود داشته باشد، وجود معلول نیز بالضروره حتمی است. از آنجا که خداوند همیشه علت تامه بوده و هست، محال است که علت ناقصه باشد و سپس تامه گردد، زیرا این امر مستلزم نقص و نیاز در خداوند است. اگر خداوند علت ناقصه بود، باید علتی دیگر وجود داشته باشد تا او را از ناقصه بودن به تامه بودن برساند، که این با کمال مطلق او ناسازگار است. بنابراین، خداوند علت تامه است و در نتیجه موجودات باید بالضروره وجود داشته باشند؛ از این رو، عالم ازلی است.

## جواب:

## حتی اگر بپذیریم که خداوند علت تامه است، این امر به معنای ازلیت معلولات نخواهد بود. زیرا در موجودات غیر مختار، علت تامه به ضرورت موجب وجود معلول است، اما در مورد خداوند که موجودی مختار است، اختیار او میان خدا و موجودات فاصله می‌گذارد. بنابراین، خداوند متعال به دلیل اختیارش می‌تواند خلق کند یا نکند، و این اختیار اوست که تعیین می‌کند چه زمانی خلق به وقوع بپیوندد.

## نکته (2):

هر چیزی که در بقاء نیاز به علت مبقیه دارد نیاز به علت محدثه نیز دارد، ممکنات نیاز به علت مبقیه دارند پس نیاز به علت محدثه نیز دارد.

**نکته (3):**

موجوداتی وجود دارند که خداوند آنها را نیافریده است، مانند انسان صد سر یا دریای جیوه؛ اما این به معنای قطع فیض الهی نیست. نکته در اینجاست که خداوند فاعلی مختار است و هرگاه بخواهد، می‌آفریند و هرگاه نخواهد، خلق نمی‌کند. بنابراین، خداوند می‌تواند هر زمان که اراده کند، فیض خود را متوقف سازد و موجودی را ایجاد نکند، و این امری کاملاً برخاسته از اراده و اختیار اوست.

## اشکال:

علت احتیاج ممکن به علت، امکان است یا حدوث؟ اگر احتیاج به خدا امکان باشد، پس می شود که چیزی نیازمند به خدا باشد ولی حادث نباشد.

## جواب استاد:

متکلم قائل است که ممکن قدیم، وجود ندارد و محال است.

## نقل قول:

برخی گفته اند: امکان دارد ماده ازلی باشد ولی ظهورات و تطورات آن حادث باشد.

## جواب:

## کمیت و کیفیت از صفات ذاتی ماده و جسم‌اند و جدایی‌ناپذیر از آن‌ها. هر آنچه که دارای کمیت و کیفیت باشد، ضرورتاً مخلوق است و هر مخلوقی باید نقطه آغازی برای خلق خود داشته باشد. از این رو، موجودات مادی نمی‌توانند ازلی باشند و باید آغازی برای وجودشان متصور باشد.

## شبهه:

## **برخی معتقدند که موجود مادی تنها می‌تواند از موجود مادی دیگری به وجود آید و امکان ندارد ماده مسبوق به ماده نباشد، بنابراین نتیجه می‌گیرند که ماده ازلی است.**

## جواب:

## **پاسخ این ادعا آن است که لازمه چنین نظریه‌ای، پذیرش تسلسل در موجودات مادی است؛ به این معنا که این سلسله ابتدایی نخواهد داشت، که از نظر عقلی محال است. از آنجا که اکنون موجودات مادی وجود دارند، پس به‌ناچار باید آغازی برای این سلسله فرض شود، چرا که وجود کنونی ماده نشان‌دهنده آن است که در نقطه‌ای از زمان، این سلسله آغاز شده است.**

## نقل قول:

## اگر فرض کنیم که خداوند عالم را در لحظه‌ای خاص خلق کرده و نه قبل و نه بعد از آن، این به معنای وقوع "ترجیح بلامرجح" است؛ یعنی انتخاب زمانی خاص برای خلق بدون وجود دلیلی موجه برای ترجیح آن بر زمان‌های دیگر. این امر با حکمت و اختیار خداوند ناسازگار است، زیرا فعل خداوند همواره مبتنی بر حکمت و اراده‌ی تام است و نه بدون مرجح و دلیل.

## جواب:

 مرحجش اختیار پروردگار است،

# ادله روایی:

قال الزندیق:أیها الحکیم،فما تقول فی من زعم أن هذا التدبیر الذی یظهر فی العالم تدبیر النجوم السبعة ؟

قال : یحتاجون إلی دلیل، أن هذا العالم الأکبر والعالم الأصغر من تدبیر النجوم التی تسبح فی الفلک، وتدور حیث دارت متعبة لا تفتر ، وسائرة لا تقف.

ثم قال: وإن لکل نجم منها موکل مدبر ، فهی بمنزلة العبید المأمورین المنهیین ، فلو کانت قدیمة أزلیة لم تتغیر من حال إلی حال.[[1]](#footnote-1)

1. . الاحتجاج نویسنده : الطبرسي، أبو منصور جلد : 2 صفحه : 94 [↑](#footnote-ref-1)